



دانشگاه عدالت

رساله دکتری رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان رساله:

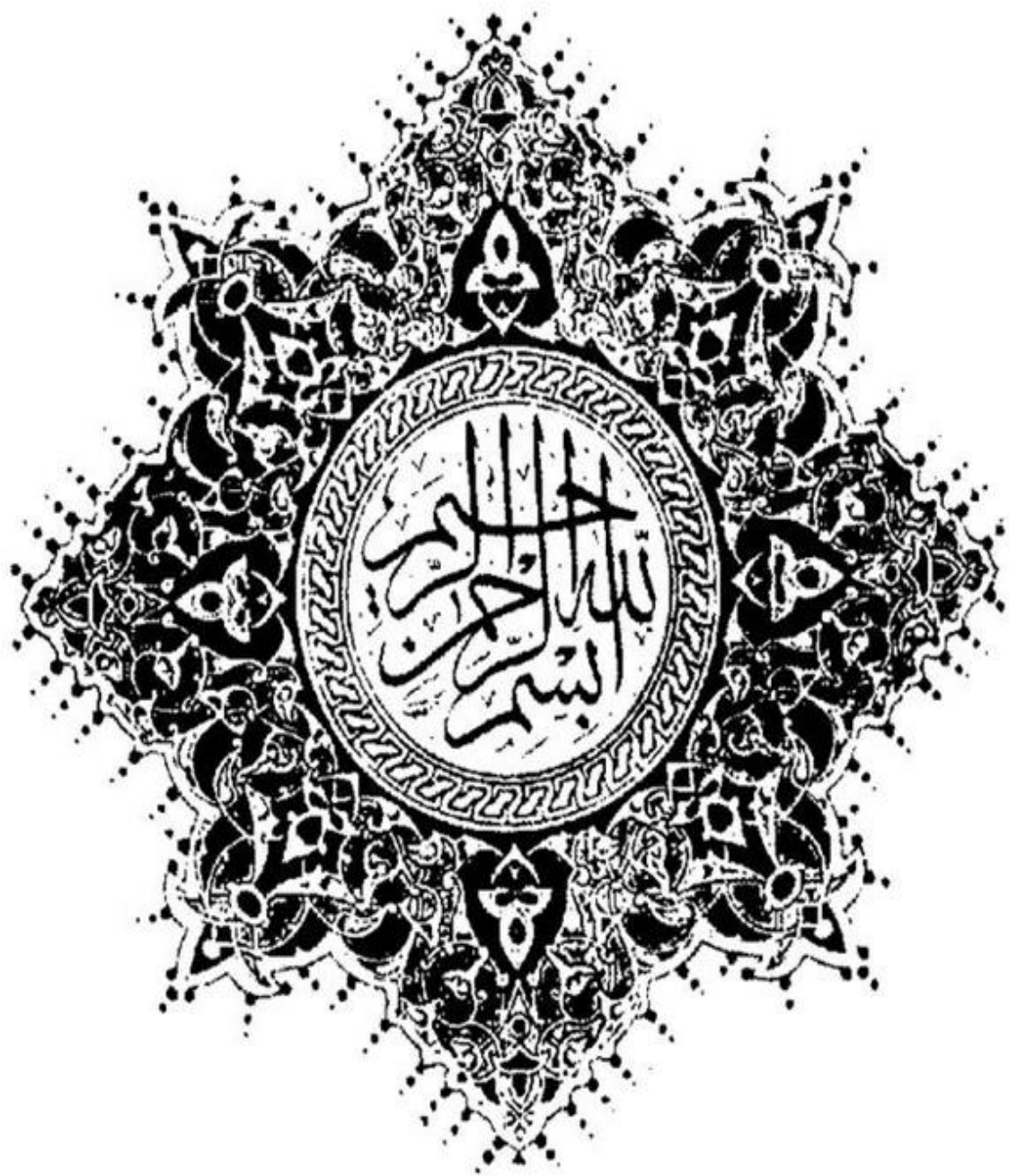
قلمرو احکام دین در تنظیم حیات انسان

نگارش: سکینه منظری مجید

استاد راهنما: جناب دکتر محمد حسن گلی شیردار

استاد مشاور: جناب دکتر محمد حسین بیاتی

(شهریور ۹۸)





دانشگاه عدالت

رساله دکتری رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان رساله:

قلمرو احکام دین در تنظیم حیات انسان

نگارش: سکینه منظری مجید

استاد راهنما: ناب دکتر محمد حسن گلی شیردار

استاد مشاور: جناب دکتر محمد حسین بیاتی

(شهریور ۹۸)

باسمه تعالی



فرم شماره ۸، تعهدنامه‌ی دانشجو برای اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به دانشگاه عدالت می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه عدالت، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب **سپهر مهری** دانش‌آموخته‌ی مقطع دکترای تخصصی رشته‌ی **الکترونیک** گرایش **فهردهای حنون اسلامی** دانشگاه عدالت به شماره‌ی دانشجویی **۹۵۱۵۱۳۱۰۶** که در تاریخ **۲۶، ۶، ۹۸** از رساله‌ی تحصیلی خود تحت عنوان: **فهردهای حنون در تنظیم حدیث اشان** دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

(۱) این رساله را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.

(۲) مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات رساله تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.

(۳) این رساله، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.

(۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.

(۵) در صورتی که قصد هرگونه بهره‌برداری به صورت‌های مختلف مانند کتاب، مقاله، اختراع، اکتشاف و ... از رساله خود داشته باشم، مجوزهای لازم را از حوزه پژوهش و فناوری دانشگاه عدالت، اخذ نمایم و این استفاده صرفاً به نام دانشگاه عدالت باشد و صراحتاً در مکاتبات و تولیدات اینجانب درج شود و بر اساس ضوابط دانشگاه عدالت اقدام نمایم.


(۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این رساله در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه عدالت را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.

(۷) در صورت استفاده از کمک‌های مالی و غیر مالی نهادهای دولتی و غیر دولتی از موضوع تحقیق اینجانب مراتب را کتباً به اداره کل پژوهش دانشگاه عدالت اطلاع دهم.

(۸) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (من جمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه عدالت را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید و نسبت به تصمیم اتخاذ شده هیچگونه ادعایی نداشته و حق هرگونه اعتراضی را از خود سلب و ساقط می‌نمایم.

امضا
تاریخ
سپهر مهری


باسمه تعالی

فرم شماره ۵، صورت جلسه دفاع از رساله دکتری		
تاریخ	نام و نام خانوادگی دانش آموخته	
شماره ملی	رایانامه شخصی	

عنوان	تلمذ احکام دین در تنظیم حیات انسان	
رشته تحصیلی	الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی	مقرایش

هیئت داوران بسی از شعبین گزارش و دفاع دانشجوی رساله وی را داوری و با نمره (۱۹).....

آن را «عالی» / «بسیار خوب» / «خوب» / «پذیرفته نشده» ارزشیابی کرد.

صفت	نام و نام خانوادگی و وابستگی سازمانی (وزارتخانه / دانشگاه / ...)	مرتبه علمی	شماره ملی رایانامه سازمانی	امضا
استاد راهنما	دکتر محمد حسن گلپور			
استاد راهنمای دوم				
استاد مشاور	دکتر محرمین بیانی			
استاد مشاور				
استاد داور	دکتر سید محرفا امام			
استاد داور	دکتر احمد امینل تبار		۲۰۴۳۳۲ ۷۸۴۵۶	
استاد داور	دکتر صالح منتوی			

نامید کارشناس آموزش	نام و نام خانوادگی	امضا
تأیید ناظر مؤسسه	نام و نام خانوادگی	امضا
	دکتر سید محمد صادق هاشمی شاهرودی	معاون آموزشی و پژوهشی



۹۸ / ۱۱۳۸۲
۱۳۹۸ / ۷ / ۲۱

تقدیم به ساحت مقدس حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» که همواره سایه محبت و لطفش بر سر ماست.

و

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم همسری فداکار نصیبم ساخته تا در سایه سار وجودش

در راه کسب علم و دانش تلاش نمایم.

همسری که بودنش تاج افتخاری است بر سرم و نامش دلیلی است بر بودنم

حال این برگ سبزی است تحفه درویش تقدیم به

همسر بزرگوارم جناب آقای علی جمشیدی

«الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض و له الحمد في الاخره و هو الحكيم الخبير»

ستایش و سپاس مخصوص خداست که هر آنچه در آسمانها و زمین است، همه ملک اوست و در عالم آخرت نیز سپاس مخصوص خداست و او به نظم آفرینش حکیم و به همه امور عالم آگاه است.

بدون شک جایگاه و منزلت استاد، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه ی ایشان، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگارم.

چرا که اگر لطف، بزرگواری و هدایت ایشان نبود، هرگز این رساله به سر منزل مقصود نمی رسید

لذا بر حسب وظیفه و از باب

" من لم يشكر المنعم من المخلوقين لم يشكر الله عزّ وجلّ "

از اساتید فاضل و اندیشمند

جناب دکتر محمد حسن گلی شیردار (زیدعزه)

و

جناب دکتر محمد حسین بیاتی (زیدعزه)

که نامشان زینت بخش و اعتماد بخش این اثر می باشد کمال تشکر را دارم.

چکیده

موضوع رساله «قلمرو احکام دین در تنظیم حیات انسان» است. قلمرو دین متغیر مستقل و تاثیرگذار در حوزه های مختلف حیات انسان است؛ همان طور که حیات انسان منوط و قائم به ابعاد مختلف شئون بشری است متغیرهای وابسته در این تحقیق می تواند کلیه وقایع تاثیرپذیر حیات انسان از قلمرو دین از جمله: فرهنگ، اخلاق و اعتقادات، سیاست، فقه، حقوق، تقنینات بشری و قوانین حکومتی که به دست حاکم اسلامی است باشد.

این تحقیق یکی از پژوهش های بنیادی و کاربردی می باشد که گردآوری اطلاعات اولیه تحقیق، با مراجعه و مطالعه منابع و مآخذ دست اول از علما و فقها صورت گرفته است؛ که در این مرحله کلیه مطالب مرتبط با موضوع و مسئله اصلی پژوهش از کتب و یا نرم افزارهای موجود استخراج شده و به دقت ترجمه و مورد بررسی قرار گرفت.

در این پژوهش سعی شده است؛ اقوال و مستندات درون دینی و برون دینی مورد بررسی قرار گیرد که بر همین اساس مشخص گردید دین بر تمام ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و سیاسی زندگی انسان و تمام دوره های آن، دنیا و آخرت، حکومت دارد و دین هیچ بُعدی از ابعاد انسان یا دوره ای از دوره های حیات او را مهمل نگذارده و فراموش نکرده است بلکه برای همه شئون و دوره های حیات او احکام و قوانینی را تشریح نموده است؛ بدین سان، قلمرو دین، گسترده است و به حوزه شخصی اختصاص ندارد.

گسترده ترین تصویر از تشریح و احکام شرعی این است که بگوییم دایره تشریح و احکام شرعیه آنقدر وسیع است که احکام تأسیسی، احکام امضائی، احکامی که با واسطه اشخاص مأذون از طرف خداوند جعل شده همه به عنوان حکم شرعی شناخته می شود. از این رو مشهور بر این باورند که هیچ واقعه ای خالی از حکم نیست و هر آنچه که امت تا قیامت در کلیه امور به آن نیاز داشته حکم آن از طرف شارع بیان شده است؛ لکن این احکام گاهی در ضمن نص خاص و جزئی و گاهی در ضمن احکام و قواعد کلی بیان شده است.

واژگان کلیدی

قلمرو دین، جامعیت دین، احکام ثابت و متغیر، عدم خلو واقعه از حکم، منطقه الفراغ

فهرست مطالب

مقدمه ۱

۱. فصل یک: مبانی و مفاهیم تحقیق ۴

۱-۱. کلیات ۴

۱-۱-۱. بیان مسئله ۴

۱-۱-۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق ۷

۱-۱-۳. اهداف تحقیق ۸

۱-۱-۳-۱. هدف کلی ۸

۱-۱-۳-۲. اهداف جزئی ۸

۱-۱-۳-۳. اهداف کاربردی ۹

۱-۱-۴. پیشینه تحقیق ۹

۱-۱-۵. سوالات تحقیق ۱۰

۱-۱-۵-۱. سؤال اصلی ۱۰

۱-۱-۵-۲. سؤالات فرعی ۱۰

۱-۱-۶. فرضیه‌های تحقیق ۱۰

۱-۱-۷. روش تحقیق ۱۱

۱-۱-۸. سازماندهی تحقیق ۱۲

۲-۱. تعریف لغوی و اصطلاحی واژه گان کاربردی تحقیق ۱۴

۲-۱-۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی قلمرو ۱۴

۲-۱-۲. مفهوم لغوی و اصطلاحی حیات ۱۴

۲-۱-۳. تعریف دین در لغت و اصطلاح ۱۵

۲-۱-۴. تعریف حکم در لغت و اصطلاح ۱۷

- ۱-۳. اقسام حکم و رابطه آنها با قاعده عدم خلو وقایع از حکم ۱۹
- ۱-۳-۱. مقام اول: اقسام حکم ۲۰
- ۱-۳-۱-۱. جهت اول: از حیث انقسام حکم به تکلیفی و وضعی ۲۰
- ۱-۳-۱-۲. جهت دوم: از حیث انقسام به حکم واقعی و ظاهری ۲۶
- ۱-۳-۱-۳. جهت سوم: از حیث انقسام به حکم مولوی و ارشادی ۲۸
- ۱-۳-۲. مقام دوم: مراتب و مراحل حکم ۳۰
۲. فصل دو: تحلیل منطقه الفراغ و تاثیر آن بر قاعده عدم خلو وقایع از حکم ۳۷
- ۲-۱. خاستگاه منطقه الفراغ ۳۷
- ۲-۲. ویژگی های منطقه الفراغ ۴۴
- ۲-۳. تاثیر منطقه الفراغ بر قاعده عدم خلو وقایع از حکم ۴۸
۳. فصل سه: اقامه برهان با رویکرد برون دینی در تحلیل قاعده عدم خلو وقایع از حکم ۵۶
- ۳-۱. حسن و قبح عقلی در تحلیل عدم خلو واقعه از حکم ۵۶
- ۳-۲. ملازمه عقل و شرع در تحلیل عدم خلو واقعه از حکم ۵۹
- ۳-۳. مصالح و مفاسد در تحلیل عدم خلو واقعه از حکم ۶۷
۴. فصل چهار: اقامه برهان با رویکرد درون دینی در تحلیل قاعده عدم خلو وقایع از حکم ۷۶
- ۴-۱. اقوال در قاعده ۷۶
- ۱ - محمد امین استرآبادی ۷۹
- ۲ - صاحب حاشیه بر معالم ۸۰
- ۳ - مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی ۸۰
- ۴ - مرحوم شیخ انصاری ۸۱
- ۵ - جناب محقق آشتیانی ۸۲
- ۶ - محقق خراسانی ۸۳
- ۷ - مرحوم محقق عراقی ۸۳

۸۴	۸- مرحوم سید خوبی
۸۴	۹- شهید سید مصطفی خمینی (ره)
۸۵	۱۰- حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه)
۸۶	۱۱- محقق رشتی
۸۷	۲-۴. مستندات قرآنی در تحلیل قاعده
۸۷	۲-۴. ۱- آیه اول: سوره نساء / ۵۹
۸۸	۲-۴. ۲- آیه دوم: سوره نحل / ۸۹
۸۹	۲-۴. ۳- آیه سوم: سوره انعام / ۵۹
۹۰	۳-۴. مستندات روایی در تحلیل قاعده
۹۱	۳-۴. ۱- روایت اول
۹۲	۳-۴. ۲- روایت دوم
۹۳	۳-۴. ۳- روایت سوم
۹۴	۳-۴. ۴- روایت چهارم
۹۶	۳-۴. ۵- روایت پنجم
۹۷	۳-۴. ۶- روایت ششم
۱۰۱	۵. فصل پنج: کاربرد و ثمره بحث
۱۰۱	۱-۵. مسئله تصویب
۱۰۵	۲-۵. مسئله ضد
۱۱۱	۳-۵. مسئله لاضرر
۱۱۳	۴-۵. مسئله نظام سازی و ایجاد تمدن اسلامی
۱۲۱	جمع بندی و نتیجه گیری
۱۲۳	منابع و ماخذ

مقدمه

یکی از مباحث مهم در خصوص حکم شرعی بحث از گستردگی احکام شرعی است، که علما با عناوین مختلفی از قبیل؛ گستردگی احکام شریعت، عمومیت احکام شرعی، قلمرو احکام دین، جامعیت شریعت یا به تعبیر اصطلاحی اصولی عدم خلو واقعه عن الحکم الشرعی از این بحث یاد می کنند که امروزه به یکی از موضوعات مورد جدال و منازعه تبدیل شده و آراء مختلفی درباره آن وجود دارد، این بحث از اهمیت زیادی برخوردار است و آثار مهمی را به دنبال دارد.

مقصود از قلمرو احکام دین «بررسی قاعده اصولی عدم خلو واقعه از حکم» است که در کتب فقهی و اصولی به آن اشاره شده است.

مسئله اصلی در این پژوهش این است که آیا شارع در رابطه با همه امور زندگی انسان دارای حکم است به عبارتی آیا همه وقایع و افعال و اعمال زندگی انسان امضائاً یا تأسیساً و کلیه یا جزئیةً از ناحیه شرع دارای حکم است یا خیر؟

باید به این نکته توجه داشته باشیم که وقتی سخن از قلمرو احکام به میان می آید لزوماً به معنای تأسیس حکمی از ناحیه شارع نیست بلکه حتی احکام و قوانینی را که شارع امضاء کرده داخل در قلمرو احکام است و تشریح فقط به ایجاد و تأسیس حکم نیست بلکه تشریح یک معنای عامی دارد که شامل قوانین امضایی هم می شود؛ یعنی آن اموری که در بین عقلاء متعارف بوده و شارع آن‌ها را امضاء یا حتی ردع کرده را نیز شامل می شود.

بنابراین یکی از مهم ترین قواعد اصولی که فقها بر آن اجماع دارند، قاعده فی خلو الوقائع عن الحکم است. به اختصار این قاعده می گوید هیچ واقعه ای از وقائع عالم نیست که دارای حکم الهی نباشد، این قاعده نفی یا منع خلو نام دارد؛ با پشتوانه ای عمیق از آیات، مانند: «تبیاناً لکل شیء»^۱ و روایات متعددی از جمله روایتی از امام صادق (ع) که فرموده اند: «خدا حلال و حرامی نیافریده جز آنکه برای آن مرزی مانند مرز خانه هست آنچه از جاده است جزء جاده محسوب شود و آنچه از خانه است بخانه تعلق دارد این احکام خدای متعال آن قدر جامع است تا آنجا که جریمه خراش و غیر خراش و یک تازیانه و نصف تازیانه در حلال و حرام خدا معین شده است»^۲.

قلمرو دین گسترده است و تمام ابعاد حیات انسان را در بر می گیرد به طوری که دین برای حیات فردی اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و خلاصه همه شئون زندگی انسان برنامه دارد؛ به نحوی که این گستردگی در قلمرو دین شامل احکام امضایی هم می شود

با بررسی در کتب، پایان نامه ها و مقالات، کلیه متون نگاشته شده رویکرد فلسفی و کلامی داشته و حتی هیچ یک از مقالات، این قاعده را با رویکرد اصولی و تاثیرات آن در نظام اجتماعی، فقهی و حقوقی بررسی نکرده اند.

(۱) نحل، ۸۹

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۹

باتوجه به اینکه قاعده نفی خلو وقایع عالم از احکام و علیرغم ورود این قاعده در کلیه شئون زندگی بشر، تا کنون از حوزه اصول فقه و تاثیرات و ثمرات آن در حوزه تقنینات بشری و در فقه و حقوق مورد بررسی و توجه قرار نگرفته است به جاست پژوهش دقیقی در این زمینه صورت گیرد.

چراکه این قاعده از مسائل مبتلابه نظام و حکومت اسلامی نیز می باشد که لازم است به دقت مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد. از این رو با مراجعه به کتب علمای اصول سعی شده تا آراء و نظرات علماء در این قاعده اصولی ارائه و مستندات درون دینی و برون دینی آن مورد بررسی قرار گیرد.

فصل یک:

مبانی و مفاهیم تحقیق

۱. فصل یک: مبانی و مفاهیم تحقیق

۱-۱. کلیات

۱-۱-۱. بیان مسئله

دین اسلام خاتم ادیان و پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) آخرین پیامبران الهی است: «و لکن رسول الله و خاتم النبیین»^۳ و همچنین دین او کامل ترین دین است: «الیوم اکملت لکم دینکم»^۴ امروز دین شما را کامل کردم... و تنها دین اسلام برگزیده و مورد رضایت خداوند متعال از زمان پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) تا قیامت می باشد: «و رضیت لکم الاسلام دیناً»^۵ هر کس بجز آن دینی داشته باشد از وی پذیرفته نیست: «و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین»^۶ و خداوند تمام برنامه های لازم را برای سعادت انسان در دنیا و آخرت را در قالب احکام و شریعت فرو فرستاده و هر آنچه بشر بدان نیاز دارد در کتاب آسمانی، قرآن، بیان کرده است: «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء»^۷ و ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است...، آن کتاب از هیچ چیز فروگذار نکرده است: «و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین»^۸

بنابراین دین بر تمام ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و سیاسی زندگی انسان و تمام دوره های آن، دنیا و آخرت، حکومت دارد. دین هیچ بُعدی از ابعاد انسان یا دوره ای از دوره های حیات او را مهمل نگذارده و فراموش نکرده است بلکه برای همه شؤون و دوره های حیات او احکام و قوانینی را تشریح نموده است. بدین سان، قلمرو دین، گسترده است و به حوزه شخصی اختصاص ندارد.

و همچنین از آن جا که حکومت از آن خداست و هیچ کس بر دیگری حق اطاعت ندارد مگر آنان که خداوند اختیار داده است «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»^۹

از این رو موضوع این پژوهش بنا بر آیات مذکور؛ بررسی قلمرو دین در تنظیم حیات انسان است. این مسأله در علم کلام مسلماً کاربرد وسیعی دارد. اما از آنجا که غایت این رساله تحلیل و بررسی مباحث نظری و اصولی است سعی بر آن است که در رساله حاضر، این مسئله بنیادی تنها در یک محور اصولی، یعنی قلمرو دین در تنظیم حیات انسان با توجه به

۳) احزاب، ۴۰

۴) مائده؛ آیه ۳

۵) همان

۶) آل عمران؛ آیه ۸۵

۷) نحل؛ آیه ۸۹

۸) انعام؛ آیه ۵۹

۹) جمعه؛ آیه ۶۲

تحلیل و واکاوی قاعده «لکل واقعه حکم» بررسی و کاربرد و ثمره آن در فقه و حقوق موضوعه مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد.

لذا تعیین محل نزاع و تبیین جنبه‌های مجهول و مبهم در این قاعده اصولی متوقف است بر بررسی و تحلیل مفردات قاعده اصولی «عدم خلو الواقعة عن الحكم». بنابراین واژه‌گانی که باید در محل نزاع تقریر شوند عبارتند از: واقعه و حکم؛ اینکه وقایع خالی از حکم نمی‌باشد؛ منظور از حکم، کدام یک از اقسام حکم می‌باشد؟ آیا شامل حکم مولوی می‌شود یا حکم ارشادی؟ آیا مفاد این قضیه اصولی اختصاص به حکم واقعی دارد و یا شامل حکم ظاهری هم می‌شود؟ و آیا با وجود این احکام جایگاهی برای ورود احکام حکومتی وجود دارد؟

لذا در صورت مشخص شدن این مسئله، سوال دیگری که ذهن را مشغول می‌سازد این است که؛ وقایع از کدام مرتبه حکم خالی نیست؟ آیا از مرتبه اثناء، جعل و یا تنجیز حکم؟ و آیا مراد از وقایع، وقایع کلی است و یا شامل وقایع جزئی نیز می‌شود؟ و در نهایت آیا عقل با قطع نظر از شرع به جواز خلو الواقعة از حکم شرعی حکم می‌کند یا خیر؟

شهید صدر (ره) دربارهٔ دین اسلام بر این باور است که در منطق اسلام بین دنیا و آخرت دوگانگی وجود ندارد بلکه آن دو را در ارتباط بایک دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر ایشان قلمرو دین وسیع است و دین اسلام برای اداره دنیا و آخرت بشر آمده است و تمام شئون فردی و اجتماعی انسان‌ها را پاسخگو می‌باشد. که در این باره می‌فرماید:

«از آنجایی که خداوند از کلیه مصالح و مفاسد که در زمینه‌های مختلف زندگی بشر وجود دارد آگاه است، از لطف و رحمت او این است؛ که بهترین قانون را مطابق آن مصالح و مفاسد در جنبه‌های مختلف زندگی او تشریح کند، در بسیاری از متون دریافت شده از ائمه اطهار اهل بیت علیهم السلام، تأکید شده و نتیجه گرفته شده است؛ که هیچ واقعه و حادثه‌ای خالی از حکم نیست.»^{۱۰}

باید بدانیم که رسالت دین، هدایت بشر به سوی سعادت ابدی است لذا قلمرو هدایتی دین، کمال انسان در دنیا و آخرت است؛ بنابراین دین، پدیده‌ای فراگیر است که همه ابعاد فردی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، اقتصادی و بالاخره دنیا و آخرت انسان را در بر می‌گیرد.

این مسئله در علم اصول فقه کاربرد بسزایی دارد از جمله: در مباحث ضد عام و خاص، تصویب (اجتهاد و تقلید) عمل به ظن، جعل حکم ظاهری و حکم حکومتی، قاعده لاضرر و شمول احکام واقعی بین عالم و جاهل و.....

بحث در گستردگی و عمومیت احکام شرعیه نسبت به همه افعال و حوادث و وقایع زندگی انسان است مشهور بین فقها این است که حق تشریح صرفاً مربوط به خداوند تبارک و تعالی یا پیامبر گرامی اسلام است، بر اساس این نظریه همه

امور این عالم تحت حکمی از احکام شرعی مندرج است و هیچ موردی یافت نمی‌شود که در آن حکم شرعی وجود نداشته باشد.

مشهور بر این باورند: «که هیچ واقعه‌ای خالی از حکم نیست لکن این احکام گاهی در ضمن نص خاص و جزئی و گاهی در ضمن احکام و قواعد کلی بیان شده، بر این اساس هر آنچه که امت تا قیامت در کلیه امور به آن نیاز داشته باشند حکم آن از طرف شارع بیان شده که باید توسط مجتهدان و فقها این احکام شرعی از متون دینی و اسناد متقن استخراج شود.»^{۱۱}

اما اقوال مختلفی در آن می‌گنجد و اختلافاتی مشاهده می‌شود که ما به یک جهت آن اشاره کردیم اما سوالات دیگری نیز مطرح است از قبیل اینکه آیا گستردگی تشریح مختص به احکام تأسیسی است یا شامل احکام امضائی هم می‌شود؟ آیا این شمول به حدی است که شامل موارد جعل با واسطه هم بشود؟

جعل با واسطه؛ یعنی اینکه اشخاصی که از ناحیه شارع مأذونند و اجازه دارند تشریح کنند و حکم شرعی بدهند مثل ائمه معصومین (ع) که اختلاف است که آیا ائمه معصومین (ع) صرفاً مبین شرع و مفسر احکام هستند یا حق تشریح نیز دارند؟

در مورد پیامبر (ص) مشهور^{۱۲} قائلند که پیامبر (ص) حق تشریح دارد اما در مورد ائمه معصومین (ع) این اختلاف نظر وجود دارد که آیا آن‌ها مشرع هستند یا مبین و مفسر شرع هستند؟

فرض کنیم علماء قائل باشند به این که ائمه معصومین (ع) حق تشریح دارند اما آیا کسی معتقد است فقیه جامع الشرائط و حاکم اسلامی از طرف شارع برای تشریح مأذون است؟

گسترده‌ترین تصویر از تشریح و احکام شرعی این است که بگوییم دایره تشریح و احکام شرعی آنقدر وسیع است که احکام تأسیسی، احکام امضائی، احکامی که بی واسطه توسط خداوند جعل شده، احکامی که با واسطه اشخاص مأذون از طرف خداوند جعل شده و حتی امضاءاتی که اشخاص مأذون از طرف شارع انجام می‌دهند همه به عنوان حکم شرعی شناخته شده و به شرع اسناد داده می‌شود. حتی تطبیقات عمومات و قواعد کلی بر مصادیق و افراد و جزئیات هم در دایره حکم شرعی قرار می‌گیرند، این گسترده‌ترین تصویری است که می‌توان برای حکم شرعی تصور کرد.

حال طبق تقریر و تحلیلی که در این رساله از محل نزاع انجام می‌دهیم دایره شمول احکام را تا این حد گسترده می‌کنیم و آنچه که به مشهور نسبت می‌دهیم صرف نظر از اختلافاتی است که بین آنها وجود دارد. طبق این نظریه با این گستردگی؛ چیزی به نام منطقه الفراغ وجود ندارد. منظور از منطقه الفراغ منطقه‌ی فارغ از حکم شرعی حتی اباحه است؛

(۱۱) غروی نائینی، محمدحسین، تنبیه الأئمة و تنزیه المله، ص ۹۰ و ۹۷

(۱۲) موسوی خمینی، روح الله، رسائل، ص ۵۰

یعنی منطقه‌ای که در آن هیچ حکم شرعی اعم از وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و حتی اباحه جعل نشده و منطقه‌ای است که شارع رها کرده تا خود انسان‌ها و دولت اسلامی در آن منطقه به قانون‌گذاری بپردازد، این یک معنا از منطقه الفراغ است.

معنای دیگر از منطقه الفراغ، منطقه‌ی فارغ از حکم الزامی است؛ یعنی منطقه‌ای که شارع در آن حکم الزامی ندارد نه اینکه اصلاً حکمی نداشته باشد بلکه شارع در آن، حکم به اباحه کرده، منطقه‌ای که شارع در آن منطقه نه اقتضاء فعل دیده و نه اقتضاء ترک، پس دو تفسیر از منطقه الفراغ وجود دارد؛ که در کلمات شهید صدر قرائن و نشانه‌هایی بر هر دو احتمال وجود دارد.

برخی احتمال اول را به شهید صدر نسبت داده‌اند و بعضی دیگر احتمال دوم را؛ ولی آنچه که از مجموع کلمات شهید صدر بدست می‌آید احتمال دوم تقویت می‌شود؛ یعنی منظور از منطقه الفراغ، منطقه‌ای است که شارع در آن حکم الزامی ندارد ولی حکم به اباحه وجود دارد و می‌گوید در این محدوده که شارع مباح اعلام کرده دولت اسلامی و حاکم اسلامی می‌تواند وارد شود و این حکم شرعی اباحه را به حکم الزامی وجوب یا حرمت تبدیل کند، لذا طبق قول اول که ما به مشهور نسبت می‌دهیم منطقه الفراغ به معنای اولی که ذکر شد وجود ندارد؛ یعنی هیچ منطقه‌ای نیست که از حکم شرعی خالی باشد.

بنابراین پژوهش حاضر بایستی عهده دار پاسخگویی به این مسئله محوری و بنیادی در زمینه شناسایی و تحلیل قلمرو دین در تنظیم حیات انسان باشد که به صورت گذرا به سوالات و اختلاف نظرهایی که در این باب وجود دارد اشاره شد. از این رو در این تحقیق سعی بر آن است تا اختلاف نظر علما و فقها را با توجه به مستندات و ادله آنها، با دو رویکرد درون دینی و برون دینی با مراجعه به منابع اصول فقه مورد تحلیل و واکاوی دقیق قرار دهیم و در نهایت با بیان نظر مختار، ثمرات فقهی و اصولی این قاعده را در ابعاد مختلف، به منصف ظهور قرار دهیم.

۱-۱-۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

یکی از مهم ترین قواعد اصولی که فقها بر آن اجماع دارند، قاعده فی خلو الوقائع عن الحکم است. به اختصار این قاعده می‌گوید هیچ واقعه‌ای از وقائع عالم نیست که دارای حکم الهی نباشد، این قاعده نفی یا منع خلو نام دارد؛ با پشتوانه‌ای عمیق از آیات؛ مانند: «تبیاناً لكل شیء» و روایات متعددی از جمله روایتی از امام صادق (ع) که می‌فرمایند:

«خدا حلال و حرامی نیافریده جز آنکه برای آن مرزی مانند مرز خانه هست آنچه از جاده است جزء جاده محسوب شود و آنچه از خانه است به خانه تعلق دارد این احکام خدای متعال آن قدر جامع است تا آنجا که جریمه خراش و غیر خراش و یک تازیانه و نصف تازیانه در حلال و حرام خدا معین شده است.»^{۱۳}

بنابراین فقها با ادله متقن اظهار می دارند که هر یک از وقایع عالم دارای قانونی الهی است و قدرت قانون گذاری تنها در اختیار خداست، به عنوان نمونه در تشریح این قاعده شیخ انصاری می فرماید: «پس از بیان تواتر اخبار در وجود حکم برای هر واقعه از جانب خدا می فرماید: ما نمی توانیم در جایی که حکمش را (فعلاً) نمی دانیم، حکم صادر کنیم چرا که می دانیم شریعت کامل است به نحوی که هیچ واقعه ای خارج از حکم قطعی از جانب خدای متعال نیست و آنان که اگر حکمی که صادر می کند از قبل خودش باشد و از احکام منزل از ناحیه خدای متعال نباشد از کافران هستند.»^{۱۴}

از این رو با توجه به درک اهمیت موضوع؛ ضرورت ایجاد می نماید تا جریان قاعده عدم خلو وقایع عالم از حکم، در تقنینات بشری از جمله نظام قانونگذاری در حکومت اسلامی و همچنین نظام فکری شهید صدر در منطقه الفراغ و نظام فکری امام راحل در فقه و احکام حکومتی به دقت روشن شود چرا که این منظومه تفکرات برخلاف این قاعده اصولی بوده و دست بشر را به خصوص حاکم اسلامی را در تقنینات و وضع قوانین بنا بر وجود مصالح و مفساد حاکم در جامعه اسلامی را می بندد.

بنابراین ضرورت قضیه، اقتضاء می کند تا این پژوهش به رشته تحریر در آید و پاسخگوی این سوالات بنیادی و تاثیر گذار در سرنوشت و سعادت و یا عقوبت دنیوی و اخروی بشر باشد چرا که این قاعده قانونی تاثیر گذار در تنظیم حیات انسان در تمام شئون زندگی می باشد.

۱-۱-۳. اهداف تحقیق

۱-۱-۳-۱. هدف کلی

هدف اصلی این رساله یافتن پاسخ این پرسش است که قلمرو دین در تنظیم حیات انسان تا چه میزان است؛ یعنی دین تا چه میزان قدرت و توانایی تقنین و تشریح قوانین در حوزه های مختلف حیات بشری را داشته و در آن نقش آفرینی می کند؟

۱-۱-۳-۲. اهداف جزئی

- شناخت قلمرو دین و تعیین روشهای قلمرو شناسی دین
- آشنایی با منابع دین در توجه به قاعده نفی خلو
- شناخت و تحلیل ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع
- شناخت و آگاهی از انواع و اقسام حکم و تشریح قوانین
- آشنایی با احکام ثابت و متغیر و تاثیر آنها بر قاعده مذکور

- آشنایی با حوزه تشریح و قانونگذاری در احکام حکومتی
- شناخت و تحلیل منطقه الفراغ و تاثیر آن بر قاعده
- شناخت و تحلیل اخباری که بر عدم خلو وقایع حیات آدمی از حکم شرعی دلالت دارند
- شناخت و تحلیل ادله درون دینی و برون دینی در اثبات و یا نفی قاعده قاعده
- شناخت و تحلیل ثمرات قاعده عدم خلو وقایع در حوزه های فقهی و اصولی

۱-۳-۱. اهداف کاربردی

این رساله کاربرد وسیعی در حوزه دین در راستای پاسخگویی در زمینه های مختلف زندگی از قبیل مسائل حقوقی و اجتماعی و سیاسی داشته باشد و سازمان و نهادهای مختلفی می توانند از ثمرات این پژوهش بهره مند گردند از جمله:

۱) دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در رشته الهیات، گرایش های مختلف حقوق، فقه، رشته علوم سیاسی، فقه حکومت

۲) کتابخانه و پژوهشکده های فقه نظام و سایت های فقهی و حقوقی

۳) نهادهای قانونگذار و نهادهای اجرایی

۴) دانش پژوهان و اساتید فقه و حقوق

۱-۴-۱. پیشینه تحقیق

یکی از نکات برجسته این نوشتار آن است که در این باب کتاب یا پژوهشی مستقل که در بردارند تحلیل قاعده و ثمرات و تاثیرات این قاعده در فقه و حقوق باشد نگاشته نشده است در صورتی که این قاعده می تواند یک قاعده مبنایی در تحلیل فقه حکومتی و همچنین تنظیم حیات بشر در ابعاد مختلف زندگی او باشد.

با بررسی در متون، سایت تحقیقات وزارت علوم، پایان نامه ها و مقالات کلیه متون نگاشته شده رویکرد فلسفی و کلامی دارند و هیچ یک از مقالات این قاعده را با رویکرد اصولی و تاثیرات آن در نظام اجتماعی، فقهی و حقوقی بررسی نکرده اند و صرفاً آیت الله آملی لاریجانی در ضمن تقریرات دروس خود به این قاعده پرداخته و از وجوه اصولی و فلسفی، به طور مختصر ابعاد آن را تشریح کرده اند (صادق لاریجانی قاعده نفی الخلو فصلنامه تخصصی علم اصول، سال سوم، شماره ۷، پاییز ۸۶، ص ۱۶۱-۲۰۸)